

## چرا مسافر روزه اش باطل است و نمازش شکسته؟!

<?xml encoding="UTF-8">

چرا با وجود آثار مفید روزه، مسافران نمی توانند روزه بگیرند؛ به ویژه آن که فلسفه شکسته شدن نماز و بطلان روزه مسافر، تخفیف به حال اوست و در روایات از آن به هدیه الهی تعبیر شده است و در قرآن کریم، بعد از بیان این حکم می فرماید: «اگر روزه بگیرند، برای آنان بهتر است»؟

روزه، ابعاد گوناگونی داشته، آثار مثبت فراوانی از نظر مادی و معنوی در وجود انسان دارد. تلطیف روح، تقویت اراده، کنترل غرایز و تقلیل آنها، تقویت روحیه ایثار و نوع دوستی از مهم ترین تأثیرات اخلاقی و تربیتی روزه است و علاوه بر آن که روزه برای بیماری های جسمی و روانی، آثار بهداشتی و درمانی فراوانی دارد، با وجود این، این آثار مخصوصاً در بعد معنوی و قرب الی الله، زمانی تحقق می یابد که این عبادت با شرایط آن صورت پذیرد که از جمله این شرایط، در سفر نبودن است.

این که چرا عبادت خدای متعال که راه سعادت بشر است، مشروط به شرایط خاصی شده است و یا با پیشرفت و فناوری وسایل حمل و نقل، آیا هنوز این شرایط معتبر است یا نه و نیز تفسیر آیات روزه، موضوع بحث ماست.

پرسش 1. فلسفه شکسته شدن (قصر) نماز چیست و چرا عبادت خداوند مشروط به شرایطی است؟ نماز شکسته از احکام امتنانی و تسهیلی خداوند برای مسافران است؛ اما این که چرا برای عبادت خداوند، شرایطی مقرر شده است، توجه به نکات ذیل مفید است:

الف) تمام عبادات و شرایط آنها توقیفی و تعبدی است؛ یعنی، از سوی خداوند است و هیچ کس حق کاستی و افزودن به آن را ندارد؛ پس همه این شرایط، از سوی خداوند است.

ب) خداوند بهتر از هر کس می داند که راه وصول و تقرب به او چیست و چگونه می توان بهتر به او نزدیک شد و به سعادت و کمال رسید. بنابراین اگر او جزء و شرطی را قرار داده و یا چیزی را حذف کرده، بر اساس مصالحی است که بسیاری از آنها فراتر از توان درک عقل بشری است و تنها خداوند بدان آگاه است.

ج) عبادات به عنوان وسیله ای برای نیل به کمال در نظر گرفته شده است؛ از این رو قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>1</sup> ای انسان های مؤمن! با استعانت از نماز و روزه به خدا نزدیک شوید». در همه اعمال عبادی، قصد قربت شرط است. گرچه نیت امری است قلبی، ولی وقتی همان نیت را با عبارات و الفاظ بیان می کنیم، می گوییم: «قربة الی الله»، یعنی این عبادت ها را به عنوان وسیله ای برای تقرب به پیشگاه حضرت حق - تبارک و تعالی - انجام می دهیم.

پس این عبادات، زمانی نقش وسیله تقرب به خدا را ایفا می کنند که با شرایط آن صورت گیرد. خدای متعال می فرماید: نماز باید برای یاد من می باشد (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)<sup>2</sup> و در عین حال تذکر می دهد که «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»<sup>3</sup> در حال مستی نزدیک نماز نشوید؛ زیرا چنین نمازی غفلت زدا و نزدیک کننده بشر به خدا نیست و نمازگزار با چنین حالتی حضور قلب ندارد و نمی داند که چه می کند. ازاین رو در ادامه همین آیه، در مقام تعلیل حکم می فرماید: «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»<sup>4</sup>.

علت بسیاری از نابسامانی ها در جوامع اسلامی، این است که عبادت های مسلمانان روح ندارد و در حقیقت نماز و روزه بسیاری از آنان روح ندارد، وگرنه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>5</sup> در حالی که وجود بسیاری از

مفاسد فردی و اجتماعی در جوامع اسلامی، غیرقابل انکار است (گرچه نسبت آن با آن چه که در جوامع غیرالهی و غیردینی است به مراتب بسیار کمتر است).

آیه الله مصباح یزدی در این زمینه می نویسد:

«رکن مهم همه عبادات، نیت و قصد قربت است و این رکن، مخصوص به نماز نیست؛ بلکه هر عمل عبادی، باید «قربة الى الله» انجام شود و داعی بر انجام آن اطاعت خدا باشد؛ چون پرستش با دل انسان بستگی دارد و به عبارت دیگر، عبادت از افعال و عناوین قصدی است. چنان که هر گونه خم شدن علامت تعظیم نیست؛ زیرا ممکن است به قصد مسخره کردن باشد، عبادت هم صرف حرکات و سکانات یا اذکار و اوراد نیست؛ بلکه باید به خاطر اطاعت امر خدا باشد؛ پس نمازی که برای تمرین و یاد گرفتن خوانده می شود، یا برای ریا و خودنمایی یا از روی نفاق و ترس از مسلمانان یا جلب توجه ایشان، عبادت حقیقی نیست . . .» 6

شاید این پرسش مطرح شود که چرا خدای متعال، تقرب به خودش را با صرف اقدام بندگان به یک عمل عبادی با هر شکل و قالب و شرایطی که انجام شود، قرار نداده است؛ بلکه این تقرب با شرایط خاص حاصل می شود؟ پاسخ آن - همان طور که آیه الله مصباح یزدی نوشته اند - این است:

«حکمت این که خدای متعال خواسته است مردم از راه اسباب عادی به مقاصدشان برسند، این است که در راه تحصیل اسباب، هزاران وسیله آزمایش و تکامل اختیاری برای انسان ها پیش می آید که هرگز در گوشه مسجد و معبد حاصل نمی شود؛ چنان که بارها گفته شد، غرض از آفریده شدن انسان در این جهان مادی، همان است که با اختیار و انتخاب خود راه کمال را بییماید و اساساً کمال حقیقی انسان، همان است که از راه اختیار حاصل می شود و انتخاب و اختیار، میدان عمل آزاد و راه های متعدد و وسایل گوناگون آزمایش لازم دارد و هر قدر زمینه آزمایش بیشتر باشد، امکان تکامل انسانی بیشتر خواهد بود. این است که خدای متعال به انسان امر فرموده به کار و کوشش و تلاش و فعالیت بپردازد تا در زمینه های مختلف، آزمایش خود را بدهد، و کمال اختیاری خویش را به دست آورد (لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) 7 «وگرنه خداوند عاجز نبود که روزی هر بنده ای را به وسیله مائده آسمانی نازل کند . . .» 8؛ یعنی، کمال ما در گرو رفتارهای اختیاری ماست و اختیاری بودن رفتار، متوقف بر این است که گزینه های مختلف باشد که یکی از آنها صحیح یا بهترین باشد و همین که یکی صحیح یا بهترین است، به این معناست که شرط خاصی برای قبولی یا کمال آن عبادت گذاشته ایم. 9

پرسش 2. گرچه خدای متعال بر اساس آیات 183 و 184 سوره بقره، می فرماید: «بر مسافر و مریض واجب نیست، ماه رمضان روزه بگیرند، بلکه ایام دیگری را روزه بگیرند؛ ولی در ادامه همان آیات می فرماید: «روزه گرفتن بهتر است»؛ بنابراین، روزه بر انسان مسافر واجب نیست؛ نه این که حرام باشد. حال حرام بودن روزه در سفر با آیه شریفه «وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ» چگونه قابل جمع است؟

قبل از هر جوابی توجه به آیات روزه برای فهمیدن حکم الهی - آن گونه که منظور خدای متعال بوده - بسیار سودمند است.

## آیات روزه مسافر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ

الْفَرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ 10 ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شد؛ همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شد تا پرهیزگار شوید. چند روز معدودی را [باید روزه بدارید] و کسانی از شما که بیمار یا مسافر باشند، روزهای دیگری را [به جای آن روز بگیرند] و بر کسانی که قدرت انجام آن را ندارند (همچون بیماران مزمن و پیرمردان و پیرزنان) لازم است کفاره بدهند؛ مسکینی را اطعام کنند و کسی که کار خیر را پذیرا شود، برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است؛ اگر بدانید. ماه رمضان است که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده، پس آن کس که در ماه رمضان در حضر باشد (مسافر نباشد)، روزه بدارد و آن کس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد. خداوند راحتی شما را می خواهد؛ نه زحمت شما را. هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده، به عظمت یاد کنید. باشد که از این نعمت بزرگ سپاس گزار گردید».

## پاسخ اول

الف) در این آیات شریفه، دو بار از روزه مریض و مسافر سخن به میان آمده است و در هر دو بار، خداوند متعال فرموده است: «آنان روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرند». از این صراحت و تکرار دو مرتبه، استفاده می شود که در این دو مورد، نباید روزه گرفت.

ب) معنای جمله «روزه گرفتن بهتر است»، چنین می شود: اگر انسان از مسافرت کردن صرف نظر کرده و با میل و رغبت (تطوع) روزه بگیرد، کار خوبی انجام داده و روزه گرفتن برایش بهتر است. از این رو، فقها فتوا داده اند که مسافرت در ماه رمضان - گرچه حرام نیست - مکروه است؛ یعنی، باعث می شود که انسان از فیض الهی روزه محروم بماند.

ج) همچنین نسبت به جمله «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» باید گفت می دانیم که یکی از شرایط ثبوت تکالیف الهی وسع (قدرت داشتن) مکلف است و اگر کسی بر انجام دادن تکلیفی وسع (قدرت) نداشته باشد، تکلیف از او ساقط است؛ اما اگر قدرت کمی داشته باشد که تکلیف را بتواند با سختی و مشقت فراوان انجام دهد، از آن، تعبیر به داشتن «طاقت» می شود؛ مانند روزه گرفتن اشخاص پیر و یا کسانی که بیماری عطش دارند که در این صورت، اصل تکلیف ساقط نیست؛ بلکه خداوند برای این دسته نیز تخفیف قائل شده و اجازه فرموده است که آنان نیز افطار کنند؛ ولی به جای روزه هر روز، فدیة بدهند؛ یعنی، ده سیر طعام به فقیر بدهند و اگر دو برابر آن را بدهند، برای آنها بهتر است و در صورت تحمل مشقت، روزه داشتن برایشان بهتر است.

## پاسخ دوم

معنای «وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ»، چنین می شود: آن روزه ای که خداوند متعال بر شما واجب کرده و شما را بدان اختصاص داده است [و آن را در حال سفر و مرض از شما برداشته است]، آن روزه به خیر و صلاح شماست؛ اگر بدانید و به عبارت، دیگر جمله «روزه گرفتن برای شما بهتر است»، به اصل دستور روزه بر می گردد؛ نه به مواردی که استثنا شده است.

آن چه این استفاده که «روزه گرفتن در سفر بهتر است» را خدشه دار می کند، فتوای برخی از علمای اهل سنت مبنی بر این است که افطار کردن در سفر بهتر از روزه گرفتن است؛ یعنی، این مسئله حتی در میان علمای اهل سنت هم مورد اتفاق نیست که روزه در سفر بهتر است. 11

## پاسخ چهارم

علمای اهل سنت با استفاده از روایاتی که در اختیارشان هست، بالاتفاق به جواز افطار در سفر (با شرایطش) فتوا داده اند و اختلاف آنان فقط در این است که آیا افطار و عدم افطار مساوی است یا افطار در سفر افضل و برتر است و یا این که روزه گرفتن در سفر افضل و برتر است. برخی بر افضلیت افطار و گروهی بر افضلیت عدم افطار فتوا داده اند. 12 از طرف دیگر تمامی فقههای شیعه - با استفاده از روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - بالاتفاق 13 فتوا داده اند که روزه در سفر (با شرایطش) حرام است و افطار عزیمت است؛ نه رخصت؛ یعنی، باید حتماً افطار کنند؛ نه این که می توانند افطار کنند و یا روزه بگیرند. در این جا اگر مسلمانی بخواهد روش مطمئنی را در مقام عمل در پیش بگیرد، چه باید بکند؟ آیا غیر از این است که باید در سفر (با شرایطش) روزه نگیرد و افطار نماید؟ هیچ عالمی نیست که روزه در سفر را با آن شرایط خاص، واجب بداند؛ ولی از این طرف، عده ای از علمای مسلمان آن را حرام و عده ای افطار را بهتر می دانند.

پرسش 3. این که اسلام دستور داده که مسافر نماز چهار رکعتی اش را دو رکعتی بخواند و روزه اش را افطار نماید، مربوط به زمانی است که سفرها طولانی و با مشقت بوده است؛ اما در این زمان با توسعه فناوری و پیدایش وسایل پیشرفته و سفرهای راحت، این دستور چرا اجرا می گردد؟

اگر واقعا علت تامه قصر (شکسته) خواندن نمازهای چهاررکعتی و نگرفتن روزه در سفر، همان باشد که در سؤال آمده است، باید چنین باشد؛ ولی با یک بررسی اجمالی روشن می شود که چنین چیزی صحیح نیست؛ زیرا اگر این حرف صحیح باشد، باید

تمامی سفرهای با مشقت و طولانی، مشمول چنین حکمی باشند و حال آن که به طور مثال در سفر معصیت - هر چند هم با مشقت و طولانی باشد - باید نماز تمام خوانده و روزه گرفته شود.

همچنین باید هر چه سفر طولانی تر و با مشقت تر باشد، تخفیف بیشتر باشد و حال آن که مشاهده می شود کسی که شغلش مسافرت است و دائماً سفر می کند، باید نمازش را تمام بخواند و روزه اش را نیز بگیرد.

خلاصه این که یکی از حکمت های این حکم، تخفیف است و این تخفیف یک هدیه الهی است که شامل برخی از مسافران می شود و لزوماً و در تمام موارد، ربطی به طولانی بودن و مشقت داشتن سفر ندارد و معمولاً سفر خسته کننده و ملال آور است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ان الله تعالى وضع عن المسافر الصوم و شطر الصلاة؛ 14 خداوند متعال، روزه و مقداری از نماز را از مسافر برداشته است» و همین تعبیر وضع، یعنی، باری را از دوش این افراد برداشت و چون این حکم امتنانی است و یکی از حکمت های تخفیف است و علت تامه (اصلی) قصر نماز و بطلان روزه تخفیف نیست و از این جهت، در مواردی که به هر دلیلی خستگی یا مشقت نباشد، این حکم منتفی نمی شود.

امام صادق علیه السلام از پدران خود و آنان از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده اند که: «إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيَّ وَ إِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً لَمْ يَهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا، قَالُوا وَ مَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْإِفْطَارُ فِي السَّفَرِ وَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ. فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ، فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ هَدِيَّتَهُ؛ 15 خداوند متعال هدیه ای به من و امتم کرامت فرموده که به امت های گذشته نداده است. عرض کردند: آن هدیه چیست؟ فرمود: افطار روزه و نصف شدن نماز [نمازهای چهار رکعتی] در مسافرت؛ پس هر کسی چنین نکند، هدیه خداوند را رد کرده است».

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «من قصر الصلاة في السفر و افطر، فقد قبل تخفيف الله عزوجل و كملت صلاته؛ 16 هر کس نماز را در مسافرت شکسته بخواند و روزه اش را افطار کند، تخفیف [و هدیه] خداوند را پذیرفته و نمازش کامل است».

برای این که به این پرسش بهتر پاسخ دهیم، توجه شما را به چند نکته جلب می کنیم:

1. گرچه این روزها، وسایل نقلیه و ابزار مسافرت با گذشته فرق کرده است، ولی در عین حال، هم اکنون نیز مسافرت دارای محذورات زیادی است. شما اگر به تجربه خودتان مراجعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که اصولاً در سفر - به ویژه در میان راه - آن آرامش لازم وجود ندارد؛ به ویژه آن که در سفر با وسایل سریع، دغدغه ها بسیار زیاد و فرصت اندک است. بنابراین، با توجه به مشکلات زیاد و عدم آرامش، دستور قصر نماز مسافر صادر شده است.

2. خستگی ناشی از طی مسافت - که طبعا با وسایل نقلیه در روزگاران گذشته دشوارتر بود - یکی از حکمت های مهم قصر نماز است و نه آن که علت تامه (اصلی) باشد. نه در روایتی و نه به هیچ دلیل عقلی ما دسترسی پیدا نکردیم که دلیل قصر، منحصرأ همین امر بوده است تا اشکال مذکور وارد باشد.

3. روایاتی که بیان گر قصر نماز مسافر است، بر دو دسته است:

الف) ملاک قصر را «ثمانية فراسخ» (هشت فرسخ) رفت و برگشت می داند.

ب) ملاک قصر نماز مسافر را «مسيرة يوم» (مسیر یک روز) می داند.

مشهور فقیهان - بلکه اجماع فقها - به روایات «ثمانية فراسخ» تمسک کرده اند و روایات «مسيرة يوم» را حمل نموده اند بر این که در زمان های قدیم، یک روز مسافرت، با هشت فرسخ مساوی بوده است و نظر به این که «مسيرة يوم» یک روز مسافرت با «ثمانية فراسخ» منطبق بوده است؛ در احادیث معصومان، گاهی ملاک شکسته شدن نماز با عنوان 8 فرسخ بیان شده است و گاهی با عنوان یک روز مسافرت.

به عبارت دیگر، «مسيرة يوم» عنوان مشیر است نه عنوان وصفی.

4. مسافر به کسی می گویند که از وطن خویش خارج شده است و خروج از وطن، اصل و اساس در مسافرت است؛ یعنی، اگر کسی از وطن خویش خارج نشود، دیگر مسافر نیست. زمان معرّف و نشانه مسافرت است؛ نه اصل مسافرت و به همین جهت در عرف، مسافر به کسی می گویند که از منزل خارج شده، قصد هشت فرسخ را دارد.

## جمع بندی

نظر به این که از منظر مشهور فقیهان، موضوع قصر نماز، «مسيرة يوم» نیست؛ بلکه «ثمانية فراسخ» (8 فرسخ) است، دیگر شبهه این که «مسافرت در گذشته با اسب و شتر بوده و امروزه ممکن است با هواپیما باشد و کمتر

از یک ساعت طول بکشد و حکم مسافر شرعی را ندارد، وارد نیست؛ زیرا این اشکال در صورتی وارد است که موضوع قصر نماز «مسیره یوم» (یک روز کامل) باشد و نه هشت فرسخ؛ در حالی که از روایات استفاده می شود که موضوع قصر نماز هشت فرسخ است و نه «مسیره یوم». بنابراین، حکم نماز شکسته - که در فقه مطرح شده است - برای زمان حال و آینده نیز، مانند گذشته صادق است.

-----  
پی نوشت ها :

1. بقره (2)، آیه 153.
2. طه (20)، آیه 14.
3. نساء (4)، آیه 43.
4. همان، آیه 43.
5. عنکبوت (29)، آیه 45.
6. مصباح یزدی، 28 گفتار پیرامون مسائل اعتقادی و اخلاقی، ص 89.
7. هود (11)، آیه 7؛ ملک (67)، آیه 2.
8. 28 گفتار پیرامون مسائل اعتقادی و اخلاقی، ص 144-145.
9. مطالعه اثر نفیس آیه الله مصباح یزدی، تحت عنوان «خودشناسی برای خودسازی»، در این زمینه بسیار سودمند است.
10. بقره (2)، آیه 183 - 185.
11. مشکوة المصابیح، ص 179، (حاشیه).
12. همان.
13. سید عبدالأعلی سبزواری، مهذب الاحکام، ج 10، ص 210.
14. کنز العمال، ج 8، ص 503.
15. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 5، ص 540.
16. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل الشیعه، ج 1، ص 503.